

(۳۰)

حقوق اقلیتهای مذهبی

(۳)

## شمشیر کشهای تاریخ!

مسلمانان از اینکه طرز فکر عمومی غریبها و غرب زده ها در سراسر دوران تاریخ نسبت به قوانین و حقوق اسلامی فوق العاده کوتاه و همراه با تعصب و دشمنی و تحریف و اقمیات بوده ، رنج میبرند ...

غریبها و عمال آنها مخصوصا وابستگان به سازمان باصلاح روحانی کلیسا درباره اسلام اظهاراتی کرده اند که نه تنها حاکی از بی مهری و بی توجهی است بلکه بطور یقین خصمانه و از روی غرضها و منظورهای حساب شده بوده . زیرا آنها پارا از حدود بحث و تحقیق و استدلال و حتی انتقاد فراتر گذارده و بطور عمد چهره اسلام را برنگ سیاه و تاریکی در آورده و در این راه از هیچگونه تهمت و دروغ و وارونه جلوه دادن حقائق و بدیهیات تاریخی نیز فرو گذار نکرده اند

مطلب سراپادروغی را که دائرة المعارف بریتانیائی (۱) درباره تحویل قبله از بیت المقدس به کعبه نقل میکند نمونه ای است از غرض ورزی و دشمنی غریبها نسبت باسلام .

دائرة المعارف بریتانیائی (جلد ۱۵ صفحه ۶۴۲ چاپ ۱۹۶۶) ضمن نقل حوادث روزهای اول هجرت پیامبر اسلام (ص) بمدینه ، چنین مینویسد:

«محمد (ص) نیز در صدد پیروزی بر یهود برآمد و به آنها اطمینان داد که در بجا آوردن شمامز مذهبی آزادی خواهند داشت و حتی پاره ای از شمامز مذهبی آنها (از جمله توجه بسوی بیت المقدس هنگام نماز) را بمنوان اینکه شاهدهی از وحدت

اساسی باشد و ارداسلام نمود، در عوض یهود رسمیت قدرت مدنی جدید را پذیرفتند و حاضر شدند در هزینه های جنگی شرکت کنند، تحمل این محدودیت های سیاسی و اقتصادی برای یهود که در شهر یثرب وضع مطلوبی داشتند رنج آور بود و نیز از برسمیت شناختن نبوت محمد (ص) خودداری کرده و مخالفت ورزیدند، در نتیجه روابط موحد تیره شد و هنوز دو سال تمام نگذشته بود که مکه (محل مقدس و جایگاه نصب حجر الاسود) جانشین بیت المقدس شد و هنگام نماز توجه مسلمین بسوی مکه معطوف گردید.

برای انتقاد از این بیان غرض آلود باید گفت: همه میدانیم و نویسندگان دائرة المعارف بریتانیائی هم اعتراف دارند که آغاز نبوت محمد (ص) در مکه بود و آنحضرت مدت سیزده سال در مکه بعنوان پیغمبری اشتغال بدعوت و تبلیغ داشت و تاریخ این سیزده سال هم بدون کوچکترین ابهامی باسطور برجسته و درخشانی ضبط گردیده و از جمله مسلمیات تاریخی این سیزده سال اینست که شخص رسول اکرم و پیروانش بطرف بیت المقدس نماز میخواندند و در آنجا اساساً یهودیها نفوذی نداشتند تا مسئله دلجوئی از آنها مطرح باشد و

این قبائل و طوائف مختلف عرب ( مشرکین ) بودند که جاداشت با آنها قدرت و نفوذی که داشتند از آنها دلجوئی شود ولی رسول خدا با امر پروردگار علیرغم غرور و تکبر عرب و بر خلاف تمایلات نژادی و قومی آنها که طبعاً به «کعبه» علاقه داشتند و آنجا را بعنوان يك مکان مقدس مرکز بت پرستی قرار داده بودند، مامور گردید «بیت المقدس» را بعنوان يك قبله موقتی برای مسلمانان معرفی کند (۱) و این مرکز متجاوز از چهارده سال، قبله مسلمانان بود یعنی مسلمانان ۱۷ ماه پس از هجرت هم بسوی بیت المقدس نماز میخواندند.

آیا چنین مسئله روشنی را با این پیچیدگی و ابهام و بصورت مسخره ای تحریف نمودن می توان حمل بر جهالت و نادانی نمود؟ یا اینکه باید اطمینان کرد که نویسندگان دائرة المعارف مزبور تعمداً در تحریف داشته و عملی که مدت ۱۴ سال در میان مسلمین معمول بوده به روزهای اول هجرت نسبت داده و آنها پس از گذشت کمتر از دو سال در اثر تیره شدن روابط پیغمبر با یهود از بین برود!

(۱) بطوریکه از آیة شریفه: «وما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول

ممن ينقلب على عقبيه» (قبله ای را که قبلاً بر آن بودی فقط برای این قرار دادیم که افرادی را که پیروی از پیغمبر می کنند از کسانی که بازگشت به زمان جاهلیت مینمایند، معلوم سازیم) استفاده میشود، این موضوع صرفاً به منظور تربیت مسلمانان بوده و برای پرورش روح اطاعت در افراد تازه مسلمان صورت گرفته است.

زیرا اعراب حجاز مخصوصاً اهل مکه علاقه زیادی به سرزمین خود داشتند، لذا در آغاز کار لازم بود برخلاف امیال انسانی و تمصبات محلی «بیت شرف» خود را برای مدتی رها کنند و بطرف «بیت المقدس» نماز بگزارند تا اینکه هوسا در آنها کشته شود و روح اطاعت و فرمان برداری در آنها تحکیم گردد.

دویست ساله جنگهای صلیبی را ادامه داده از غوبوسیله یهوداز مسلمانان انتقام مفلویت آن ایام رامیکیرند!

پيروان نژاد زندگی مسالمت آمیز!

تحریرف تاریخ و حقوق اسلامی و بالاخره وانمود کردن این مطلب که روش اسلام نسبت به گروههای مخالف خشونت آمیز است، از طرفه کسانی صورت گرفت که گویدام از زندگی مسالمت

آمیز زده و طرفدار تر زندگی کنید و بنگدارید

زندگی کنند؛ میباشند اولی برای پی بردن به اهمیت دروغی و مصنوعی این تر کافی است بدانیم که آلبرماله

مورخ معروف ضمن بیان کیفیت ورود قشون صلیبها به

بیت المقدس مینویسد: «عموم روایات بر قتل عام

شهادت میدهد، تقریباً هزار مسلمان در معبد

قتل عام شد و هر کس در آنجا راه میرفت تا بند

پایش را خون میگرفت... از کفار اهیچکس جان

بدر نبرد حتی زن و اطفال خردسال را هم معاف

ننمودند! (۲) و جرجی زیدان مینویسد: «پس از

پیروزی مسیحیان بر اندلس مسلمانان را مجبور

نمودند که مانند یهودیان وزشت کاران علامتی با

خود همراه دارند تا بدینوسیله شناخته شوند و

سرانجام مسلمانان رامیان هر که وقبول مسیحیت

مخیر ساختند... (۳)

این قبیل تحریرها تلاشهایی است از طرف قدرتهای استعماری برای برانگیختن هر چه بیشتر قوم یهود بر ضد مسلمانان، یهودیکه سالهای متمادی زیر آزار و شکنجه همین مسیحیان دوست قرار داشت! و با اینکه در سراسر تاریخ روی مسالمت و سازش مسلمانان نشان نداد، از حمایت و جانبداری مسلمین در تمام ادوار برخوردار بود!

یکی از نویسندگان معاصر مینویسد: «از

عجیب ترین حوادث تاریخ و بسازی روزگار

این مسئله است که یهودیها چند اسپانیا (۱) و

چه در سایر کشور های اروپای مرکزی و بیشتر

از همه مواقع در دوران جنگهای صلیبی بزرگترین

ضربتها و شدیدترین لطمهها را از مسیحیان تحمل

کرده اند و کشورهای اسلامی در تمام اعصار و

قرون، پناهگاه این ملت بوده و در قرن هیجده

و نوزده قسمت اعظم این جمعیت تحت حمایت

امپراطوری عثمانی و کشور ایران با کمال

آسایش و رفاه زندگی کردند و حالا که جانی

گرفته و قدرتی بدست آورده اند صدمه ها و لطمه

هائی را که از مسیحیان دیده اند فراموش نموده،

اینگونه بیرحمانه بحان مسلمانان افتاده اند.

مسیحیان متعصب که دنباله کینه های دوران

(۱) جان دیون پورت دانشمند و محقق انگلیسی مینویسد: مسلمانان ترک سرزمین خویش را

پناهگاه قربانیهای بدبخت تعصب مسیحیت قرار داده بودند، بتاریخ مراجعه کنید، در قرن

پانزدهم هزاران نفر اسرائیلی (یهود) از اسپانی و پرتغال رانده شدند و بهمین ترکیه پناه آوردند

(نقل از کتاب عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن ص ۱۷۳)

(۲) تاریخ عمومی آلبرماله و ژول ایزاک (تاریخ قرون وسطی) ج ۲ چاپ جدید

صفحه ۲۵۷

(۳) تاریخ تمدن اسلام ج ۴ صفحه ۲۸۲

ویوسف اشباح مورخ آلمانی در کتاب تاریخ اندلس مینویسد: «قشون مسیحیان سیل آسا به شهرها و دهات سرازیر می شدند و آنها را آتش زده ویران می نمودند و بهر کجای رسیدند با آتش و شمشیر بجان مردم می افتادند و مساجد مسلمین را مورد هتک حرمت قرار داده و صلیبها را بر فراز مناره ها نصب میکردند (۱)

و گوستا ولیون خاورشناس معروف فرانسوی درباره جنگهای صلیبی میگوید: «قبايح اعمال و کردار مجاهدین صلیب در تمام لشکر کشیها حقیقتاً آنها را در ردیف درنده ترین و بی شمرترین وحشیهای روی زمین قرار داده بود و رفتار آنان با هم عهدان خود، بادشمن، رعایای بی گناه، نظامیان، زنان و اطفال و پیر و جوان، در يك ردیف قرار گرفته بود» (۲)

و جان دیون پورت پس از شرح جنگهای صلیبی و خرابکاریها و قتل عامهای محاکم تقفیش عقائد مینویسد:

«... از این لحاظ بیشتر ایجاد نفرت و انضجار میکند که از مجرای قانون و بنام قانون

مرتکب آن فجایع شدند! ... با کمال اطمینان باید اعتراف شود که چنان جنگهای مهیب و فجیع و بلکه یکرشته جنگهای متوالی دینی برای چهارده قرن، جز در میان مسیحیان در جای دیگر وجود نداشت و هیچیک از مللی که داغ باطله کفر بر آنها زده شده است، هیچگاه يك قطره خون بیهانه دین و بدلیل مذهب نریخته اند» (۳)

و باز کافی است بدانیم که تعصب و رزی ارباب کلیسا شامل حال افراد مسیحی مخالف کلیسا نیز بود و در طول تاریخ قرون وسطی و وحشت و اختناق فکری موحشی از طرف سازمان مسیحیت سراسر اروپا رافرا گرفته و چه بسا دانشمندان و متفکرانیکه از روی مبانی علمی افکار و عقائد تحمیلی کلیسا را غلط و خرافی تشخیص داده بودند، از ترس شکنجه و قتل در حال تقیه بسر میبردند!

و نیز برای پی بردن بیشتر به ماهیت نوزندگی مسالمت آمیز پدران روحانی ا کافی است که بدانیم همین چند سال قبل هم زمان با تشکیل شورای کلیساهای مسیحی جهان در رم (ایتالیا) برای تفاهم بیشتر با مسلمانان! (۴) در بار و ایتیکان اجازه نمی دهد حتی مسجدی برای (بقیه در صفحه ۵۷)

(۱) بنقل از کتاب «اسلام و همزیستی مسالمت آمیز» صفحه ۷۷

(۲) تمدن اسلام و عرب چاپ چهارم صفحه ۴۰۷

(۳) عذرتقمیر به پیشگاه محمد و قرآن چاپ اول صفحه ۲۰۶

(۴) قطننامه شورا که برای اغفال مسلمانان ساده لوح بی اطلاع از روشهای ضد انسانی میسیونهای مسیحی در کشورهای آسیائی و آفریقائی تنظیم شده بود باسطور زیر پایان می یابد: «در طی قرون متمادی، منازعاتی بین عیسویان و مسلمانان برپا شده است، از اینرو انجمن مقدس اصرار دارد که گذشته را بدست فراموشی بسپارند و با کمال صداقت در راه تفاهم بهتر! نسبت یکدیگر بگوشند...»

## محاكمه الكل در پیشگاه علم!

در چهارشنبه شب ۲۷/۹/۴۷ در کانون دانشجویان دانشگاه تهران سمپوزیومی تحت عنوان الكل برگزار شد و در این کنفرانس از یکی از استادان دانشکده پزشکی دعوت شده بود تا در مورد الكل سخنرانی بعمل آورد.

دانشجویان پزشکی قسمت عمده شرکت کنندگان این جلسه را تشکیل میدادند و نگارنده یکی از آنها بودم، عادتاً کنفرانس‌های علمی در يك زمینه‌ی نظری و خالی از هر گونه تمصب انجام میپذیرد و دانشجویان کم و بیش با این شیوه بحث عادت دارند، با کمال تأسف در آن شب این روش بوسیله استاد مزبور شکسته شد و بحثی که میبایست منتج به نتایج علمی گردد بافتضاح انجامید و برای ناطق جز رسوائی بیار نیاورد. او بحث علمی را به تعصب آلوده کرد، تعصبی کثیف که خصوصاً در پیشگاه علم طب نابخشودنی است.

جریان بدینترار بود که در آن شب دانشجویان پزشکی یکی از جایبان بنام و متمهین با سابقه

طب یعنی الكل را پهای میز محاکمه کشیده بودند :

**الكل** متهم است که صرفنظر از رسوائیهای اجتماعی و خرابیهای اقتصادی در قلمرو طب جنایاتی بیار آورده است، **الكل** متهم است که در طی قرون و اعصار چون داغی بر پیشانی بهداشت و سلامت بشریت نشسته و قربانیان فراوانی بگورستان فرستاده است.

**الكل** متهم است که سالانه عده زیادی مجنون و دیوانه به بیمارستانها گسیل میدارد.

**الكل** متهم است که با تكانك اعضاء و دستگاه های بدن دست و پنجه نرم کرده هر يك را بنوعی بیمار و مبتلا ساخته است (۱)

**الكل** متهم است که در ابتلاء کبید به «سیروز» بیماری خطرناک و غیر قابل درمان. مهمترین نقش را عهده دار بوده است (۲)

**الكل** متهم است که میخوارگان را به ورم مزمن موده (۳) مبتلا ساخته است.

**الكل** متهم است که سیستم عصبی را ضایع ساخته و موجب استحال (۴) اعصاب محیطی و مرکزی

(۱) بیماریهای روانی نوشته دکتر میرسپاسی استاد دانشگاه.

(۲) کتابهای طب داخلی، سیسیل، داویدسون، هاریسون معتبرترین کتب طب دینا

(3) Chronic Gasteritis . (4) Nervuos Degeneration

گفته و ایجادورم پی(۱) وورم مغز (۲) نموده است .

الکل متهم است که عامل منحصر بفرده بیماری دلیریوم ترمنس (۳) و جنون خمیری میباشد (۴) الکل متهم است که سوء تغذیه ایجاد کرده و در صورت موجود بودن ، آن را و خیم تر میسازد . اینها نمونه ای ازموارد اتهام الکل در پرونده پزشکی اوست که هر یک از اینها بطور وضوح و غیر قابل تردید درپیشگاه طب قویاً به ثبوت رسیده است .

صرف نظر از قتلها ، هتك عفتها ، اغتشاشات خانوادگی ، ضایعات اجتماعی جنایات تاریخی که الکل مسبب آنها بوده است ، موارد اشاره شده در فوق ضربه هائیمست که الکل مستقیماً بر پیکره سلامت بشر نواخته است .

آن شب میخواستیم که این اتهامات جرح و تعدیل بیشتری شود و بطور واضح تری از جهره شیطان بطری پرده برداری شود ولی باکمال تعجب مشاهده گردید که ناطق کفرانس که میبایست علی القاعده بعنوان یک طیب و حافظ سلامت بشر الکلیسم را محکوم کند بدفاع از الکل و اعاده حیثیت او علیرغم کلیه مدارک و مستندات پزشکی برخاست . او دفاع متهمی را بعهده گرفت که عوام و خواص از جنایاتش آگاهند و تنها اطباء جهان آن را در زمره مهمترین دشمنان سلامت بشر میشناسند او با این دفاع تنها

ساحبان بارها و کابارهها را خشنود ساخت . خشنودی که بقیمت از دست رفتن حیثیت پزشکی اوتمام شد .

وکیل مدافع الکل ( که نمیدانیم حق - الوکاله او چه بود!) کسی است که متأسفانه در دانشکده طب درس سلامت و بهداشت میدهد و آنگاه در یک محفل علمی به قول شاعری تمسک جسته و میگوید :

مستم کن آنچنان که ندانم زین خودی  
در عرصه خیال که آمد کدام رفت ا

این وکیل مدافع بی تجربه که شخصیت او در غرب جنایتکار - سرزمین بمب و الکل - تکوین یافته است ابتدا بمنظور خوش رقصی در پیش اربابان خود به روحیات شرقیها حمله کرده و آنها را بجرم اینکه چرا چون هفت تیر کشهای تکراس عربده نمی کشند محکوم می کند او شرق را بجرم اینکه چرا در مسابقه میگساری از غرب عقب افتاده است تخطئه میکند .

تا اینجاسخنان استاد از یاد غیر مترقب نبود زیرا ما امثال این سم پاشیها را از غرب زدگان خود - باخته انتظار داریم ولی وقتی بحث اصلی شروع شد و راجع به خواص الکل صحبت بمیان آمد نامبرده چنان اصول و بدیهیات پزشکی را زیر پا گذاشت و عمداً قلب حقیقت کرد که حتی دانشجویان غیر پزشکی را نیز باعجاب وا - داشت .

تو گوئی تممداً و بحکم ماموریتش ممدور بود ا

(1) Polynevrite (2) Polioencephalite hemorrhagique

(3) Delirium tremens (4) Syndrome Korokoff

برای نمونه بچند خطای نابخشودنی ایشان اشاره میشود .

۱ - ناطق الککل را بمنوان داروی پائین آورنده فشار خون معرفی فرمودند ! باز جمله ای از همان کتاب در صفحه ۸۶ ذکر میکنم .

« نظر به توفیق اثر انقباضی به انبساطی عروق ، فشارخون بااستعمال الککل بالامیرود وازاین خاصیت دردرمان فوری موارد کولاً- بسوس (سقوط فشارخون) استفاده میشود»

۲- موردیست بسیار جالب که از سر تا پای آن اقتضاح میبارد و آن اینکه استاد فراموشکار منکر اثر الککل در بیماری سیروز کبد (۱) گشته و در تأثیر الککل در ایجاد این بیماری تردید فرمودند تا شاید بر چهره مخوف شیطان بطری ماسک زیبایی نهاده و این جانی بیدفاع را در آغوش محبت خود پناه دهند .

نگارنده در این مورد از بزرگترین کتب آسیب شناسی دنیا که مهمترین ماخذ پاتولوژی است اخذ نمود و استاد را بخواندن آن دعوت میکنم : در کتاب فوق (۲) تحت عنوان بیماری سیروز مؤلف مینویسد :

« در ایالات متحده اغلب موارد سیروز متعاقب استعمال الککل دیده شده است تأثیر میخوارگی در ایجاد سیروز کبد غیر قابل تردید است؛ منتهی مکانیسم ضایعات حاصله از الککل بطور کامل مشخص نیست» .

سپس بذکر آمار پرداخته و مینویسد:

در بیمارستان Los Angeles County Hospital

از ۹۰۰ بیمار جدید مبتلا به سیروز بیش از ۹۰۰ ر. آنها سابقه میخوارگی ۵-۱۵ ساله داشته اند» سپس بتوضیح نسبی کیفیت اثر الککل در ایجاد سیروز پرداخته و مینویسد «هر گرم الککل ۷ کالری حرارت ایجاد میکند بنا بر این الکلیکها ( که مبنی بر اصل تحمل و اعتیاد بالکل ) کالری مورد نیاز خود را از صرف الککل تأمین میکنند ، بی اشتها میشوند و این بی اشتها می سبب محرومیت از بعضی مواد لازم و ضروری فی الجمله Lipotropic Substances میگردد و این خود ضایعات کبدی را تشدید کرده و به پیدایش و پیشرفت سیروز کمک میکند . افزایش چربی در کبد میخوارگان ( مرحله ابتدائی سیروز) هم مربوط بدر یافت چربیهای رژیم روزانه وهم نقصان انتقال چربیها از کبد بعلت کمبود مواد فسفولیپیدی است . هم چنین کبد چرب الکلیکها ممکن است معلول کاهش اکسیداسیون اسیدهای چرب (تیا اکسیداسیون) در کبد باشد» .

خوانندگان مطلع ملاحظه میفرمایند که گر چه احتراق الککل در بدن ایجاد انرژی می کند ، لیکن انرژی حاصله و تأمین «کالری» از این طریق سبب انحراف « متابولیسم » طبیعی مواد غذایی بطور غیر مستقیم گشته و بالانس رژیم غذایی را مختل میسازد بطوریکه نتیجه آن «انفیلتراسیون» چربی کبد و متعاقب آن سیروز

(۱) سیروز کبد بیماری خطر ناک و غیر قابل علاجی است که اغلب معلول میخوارگی و فقر غذایی بوده و پس از برقراری بیماری بسیر خطر ناک و کشنده خود ادامه میدهد .

Pathology. W.A.D. Anderson 1961 P.822 (2)

محتاطانه ؛ ادامه یابد مانعی ندارد . در جواب اینمورد اخیر باز ناچارم از کتاب کلاسیک بیماریهای داخلی استشهاد کرده و صفحه ۹۳۰ کتاب مزبور را که درموضوع سیروز بحث کرده است نگاه کنیم .  
مؤلف مینویسد:

«بیمار مبتلا به سیروز میبایست مؤکداً از الکحل پرهیز کند و رژیمی که سرشار از پروتئین بوده و قند و چربی کمتری دارد دریافت کند ، این بود مختصری از خلاف حقایقی که استاد برای دفاع از الکحل ارائه دادند دفاعی مفتضحانه و تلاشی مذبحخانه که سر انجامی جز رسوائی ایشان نداشت .

(ضایعه غیر قابل برگشت و درمان ناپذیر کبد) میباشد تمام کیفیات فوق درموارد سوء تغذیه شدید میگردد یعنی میخسوارگی توأم با فقر غذایی کیفیتی است که وقوع و بروز سیروز کبد را حتمی میکند . در اینصورت با توجه باینکه در ایران اکثریت مردم از فقر غذایی رنج می-برند تجویز الکحل بوسیله جناب استاد کیفیتی را ایجاد خواهد کرد که نتیجه ای جز افزایش موارد سیروز کبد و افزایش مراجعین مطبها و مآلا قبرستانها در بر نخواهد داشت !!  
واسف انگیز تر آنکه خوشبینی جناب استاد بحدی است که حتی درمواردیکه سیروز برقرار شده است ایشان معتقدند که اگر تجویز الکحل

## (بقیه از ص ۵۳)

های رسمی جهان از هند در اثر یورش وحشیانه مسیحیان ، تنها در یک دهکده بیش از دوهزار نفر از مسلمانان قتل عام شدند (۱)  
با اینهمه تفاسیل راستی مضحک و مسخره است که شمشیر کش های تاریخ که هنوز هم شمشیر بر کف دارند در لباس محبت وزیر ماسک زندگی مسالمت آمیز! اسلام، آئین زندگی و مسالمت را دین زور و شمشیر معرفی کنند و تاسف آور اینکه عده ای هم تبلیغات آنها را حقیقت انگارند و باسلام خرده گیرند تا آنجا که حقوقدانی چون منتسکیو با اینکه در صفحه ۳۸۴ کتاب خود عامل پیشرفت اسلام و فتوحات شگفت انگیز اعراب را مالیاتهای سنگین طبقه حاکمه و ثلثات امپراطوری ها و فساد حکومت های وقت میشرد ، در صفحه ۶۷۱ همان کتاب (۲) گرفتار تناقض شده و تحت تاثیر تلقینات کشیشان مسیحی ، اسلام را دین شمشیر معرفی میکنند !

خود مسلمانان ساخته شود و در همان موقع اسقف های وابسته به انجمن مقدس ا در شهر مونیخ آلمان توطئه میچیدند و از ساختمان مسجد و مرکز اسلامی جلو گیری بعمل میآوردند و بالاخره برای اثبات کمال صداقت در راه تفاهم بهتر که در قطننامه شورا ذکر شده بود ، در حبشه (اتیوپی) مبلغین اسلامی را از مملکت اخراج میکنند و بازورس نیزه در دهکده های مسلمان نشین کلیسا میسازند و به مسلمانان که اکثریت افراد کشور را تشکیل میدهند ، اجازه نمی دهند در کارهای حساس مملکتی دخالت کنند . و در قبرس در سایه دولت عالیجناب اسقف مازوریوس چند مسجد بزرگو تاریخی در نیکوزیا با خاک یکسان میشود و در همان زمان و بدنبال صدور قطننامه شورای کلیساها طبق گزارش خبرگزاری-

(۱) مکتب اسلام شماره ۱۰ سال ۶ صفحه ۳۳

(۲) بکتاب «روح القوانين» صفحات ۳۸۴ و ۶۷۱ مراجعه شود .